

## محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی در پرتو رأی داوری یوکاس علیه روسیه

محمدعلی بهمنی \*

مینا معینی \*\*

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2017.27964

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۸

### چکیده

فاصله طولانی میان زمان امضای معاهدات بین‌المللی و زمان تصویب داخلی و لازم‌الاجرا شدن این معاهدات، تنظیم‌کنندگان برخی معاهدات را بر آن داشته است تا با پیش‌بینی نظام اجرای موقت، پیش از طی فرایند تصویب داخلی و لازم‌الاجرا شدن، به مقررات مندرج در معاهدات بین‌المللی، قدرت اجرایی بخشند. تدوین‌کنندگان معاهده منشور انرژی، به‌منظور تسریع اجرای مفاد این معاهده، مقرر مناقشه‌برانگیز اجرای موقت را ذیل ماده ۴۵ این معاهده پیش‌بینی کرده‌اند. به‌موجب این ماده، کشورها می‌پذیرند که به‌محض امضا و پیش از تصویب معاهده در مجلس قانونگذاری، معاهده منشور انرژی را به‌طور موقت اجرا کنند. ماده ۴۵ علاوه بر الزام کشورها به اعمال موقت معاهده منشور انرژی، برای معافیت از اجرای موقت و به‌منظور جلوگیری از بروز مغایرت میان اجرای موقت و نظام حقوقی کشورهای امضاکننده و همچنین تضمین استقلال این کشورها در پذیرش اجرای موقت، شامل محدودیت‌ها و روش‌هایی است. در این راستا ابهاماتی راجع به نحوه تعامل و آثار استناد به محدودیت‌های اجرای موقت ایجاد شده است که بر حقوق سرمایه‌گذاران و تعهدات دولت‌هایی که معاهده را امضا کرده‌اند، تأثیر بسزایی دارد و همچنین به اختلاف‌نظر میان سرمایه‌گذاران و دول سرمایه‌پذیر منتهی شده است. تا کنون برخی از دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند، اما این مسئله، نقش بی‌بدیلی را در سرنوشت دعوای اکثریت سهام‌داران شرکت نفتی یوکاس علیه دولت روسیه ایفا نموده است، به‌نحوی که پس از ابطال رأی دیوان داوری یوکاس توسط دادگاه ناحیه‌ای شهر لاهه، اجرای بزرگ‌ترین رأی تاریخ داوری، در گرو چگونگی تفسیر ماده ۴۵ توسط دادگاه‌های تجدیدنظر لاهه قرار گرفته است.

### واژگان کلیدی

معاهدات بین‌المللی، معاهده منشور انرژی، اجرای موقت معاهده منشور انرژی، محدودیت‌های اجرای موقت، دیوان داوری یوکاس، دادگاه ناحیه‌ای شهر لاهه

bahmaei@hotmail.com

\* نویسنده مسئول، عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

moeinimina@yahoo.com

\*\* کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

فاصله طولانی بین امضای معاهدات بین‌المللی و زمان لازم‌الاجرا شدن آن‌ها به دلیل تفاوت روند تصویب معاهدات در کشورهای مختلف،<sup>۱</sup> مراجع بین‌المللی را به این سمت و سو سوق داد که برای امکان اجرای مقررات معاهدات، بلافاصله پس از امضا یا در تاریخ یا به هنگام رویداد خاصی پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن، سازوکاری پیش‌بینی کنند. در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای موقت، راهکاری مؤثر برای حمایت از سرمایه‌گذاری پیش از سپری شدن فرایند طولانی تصویب نهایی معاهدات است.<sup>۲</sup> به همین منظور، این مقرر، ذیل ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی پیش‌بینی شده است. به‌واقع، شرایط حاکم در زمان انعقاد این معاهده و نیاز مبرم کشورها به ایجاد چارچوب حقوقی برای ارتقای همکاری بلندمدت بر مبنای منافع مشترک و تضمین تأمین انرژی، تنظیم‌کنندگان معاهده مزبور را بر آن داشت تا با پیش‌بینی نهاد اجرای موقت، به اعمال مقررات معاهده مزبور سرعت بخشند و بدین‌وسیله، میزان الحاق کشورها<sup>۳</sup> و سازمان‌های بین‌المللی را تضمین کنند.

به‌موجب ماده ۴۵، کشورها تنها تا حدی که اجرای موقت، با قوانین و مقررات داخلی کشورها مغایر نباشد، باید مقررات معاهده را به‌محض امضای آن به‌طور موقت اجرا کنند. در همین راستا تعهد به اجرای موقت و محدودیت‌های مندرج در بندهای یک و دو ماده ۴۵ که هریک به‌نوعی امکان معافیت از اجرای موقت را فراهم می‌آورند، پرسش‌هایی را حول محور سازوکار اجرای موقت معاهده منشور انرژی و شرایط استناد به محدودیت‌های بندهای یک و دو ماده ۴۵ و همچنین آثار استناد به محدودیت بند یک، برای نقش‌آفرینان عرصه سرمایه‌گذاری بین‌المللی و دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری به وجود آورده است. به‌طور کلی تا کنون دو دیوان داوری در جریان بررسی صلاحیت خود، به موشکافی ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی مبادرت نموده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها، دیوان داوری حل‌وفصل اختلاف سهام‌داران شرکت نفتی یوکاس و دولت روسیه است.<sup>۴</sup> اختلاف موضوع این دعوا از اتخاذ اقداماتی نظیر مزایده

1. A. M. Niebruegge, "Provisional Application of the Energy Charter Treaty: The Yukos Arbitration and the Future Place of Provisional Application in International Law", *Chicago Journal of International Law*, vol. 8, No. 1, January 2007, p. 355.

2. *Ibid.* pp. 375&376.

3. T. Gazzini, "Provisional Application of the Energy Charter Treaty: A Short Analysis of Article 45", *Transnational Dispute Management (TDM)*, vol. 7, issue. 1, April 2010, p. 1.

4. رأی دیوان داوری یوکاس از چندین جهت حقوقی و غیرحقوقی منحصر به فرد است و توجه خیل عظیمی از محققین و صاحب‌نظران عرصه داوری سرمایه‌گذاری را به خود جلب کرده است. برجستگی رأی مزبور، نخست از آن حیث است که خسارت مورد ادعای سهام‌داران یوکاس (۱۱۴ میلیارد دلار) بیشترین مبلغی است که تا کنون سرمایه‌گذار خارجی مطالبه کرده است، همین طور، مبلغ محکومیت نیز بالاترین مبلغی است که علیه یک دولت میزبان توسط دیوان داوری سرمایه‌گذاری تحمیل شده است. همین امر موجب شده است که این پرونده به‌عنوان بزرگ‌ترین پرونده تاریخ داوری شهرت یابد. از دیگر

ارزشمندترین شرکت تابعه یوکاس یعنی یوگانسک نفتگاز<sup>۵</sup> و انحلال این شرکت بزرگ نفتی سرچشمه گرفته است. سهام‌داران یوکاس یعنی شرکت‌های هالی انترپرایز لیمیتد<sup>۶</sup>، یوکاس یونیورسال لیمیتد<sup>۷</sup> و وتران پترولیوم<sup>۸</sup> که در مجموع، مالک ۷۰ درصد سهام یوکاس پیش از ورشکستگی محسوب می‌شدند، در واکنش به اقدامات دولت روسیه، در فوریه سال ۲۰۰۵ داوری موردی را علیه این کشور در چارچوب معاهده منشور انرژی، به موجب قواعد داوری آنسیترال و تحت نظارت دیوان دائمی داوری<sup>۹</sup> آغاز کردند. ایشان مدعی بودند که روسیه با سرمایه‌گذاری آن‌ها به نحو عادلانه و منصفانه‌ای رفتار نکرده است و اقدامات دولت روسیه، نقض بند یک ماده ۱۰ معاهده منشور انرژی تلقی می‌شود. همچنین ابراز داشتند که این دولت، سرمایه‌گذاری آن‌ها را برخلاف مندرجات بند یک ماده ۱۳ این معاهده مصادره کرده است. دولت روسیه در واکنش به آغاز جریان داوری از سوی اکثریت سهام‌داران یوکاس، ایراداتی را پیرامون عدم صلاحیت دیوان و عدم قابلیت استماع ادعاهای مزبور وارد کرده بود که نخستین و مهم‌ترین ایراد، مربوط به صلاحیت زمانی<sup>۱۰</sup> دیوان داوری یا همان موضوع اجرای موقت معاهده منشور انرژی است. روسیه مدعی شد که نظر به اینکه معاهده منشور انرژی، مطابق قوانین داخلی روسیه در این کشور به تصویب نرسیده است، این کشور ملزم به اجرای موقت مقررات حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری مندرج در این معاهده نیست، چرا که مقرر مزبور با نظام حقوقی روسیه تعارض دارد و مطابق بند یک ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی، کشورها از اعمال موقت مقررات مغایر معاف هستند.<sup>۱۱</sup>

سو، شرایط اجتماعی و اقتصادی پیدایش، شکوفایی و عوامل انحلال شرکت نفتی‌ای که روزگاری لقب بزرگ‌ترین شرکت نفتی روسیه و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی دنیا را یدک می‌کشید، از دیگر دلایل شهرت این پرونده است.

A. Newcombe, "Case Comment Yukos Universal Limited (Isle of Man) v. The Russian Federation an Introduction to the Agora", *ICSID Review*, vol. 30, No. 2, 2015, p. 283.

5. Yuganskneftegaz

6. Hulley Enterprises Limited

7. Yukos Universal Limited

8. Veteran Petroleum Limited

9. Permanent Court of Arbitration

10. Jurisdiction Ratione Temporis

۱۱. لازم به ذکر است که روسیه، معاهده منشور انرژی را مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ امضا و به منظور تصویب، تقدیم مجلس کرد، لیکن مجلس این کشور، هیچ‌گاه آن را تصویب نکرد. همچنین روسیه به تاریخ ۲۰ اوت ۲۰۰۹ تمایل خود را به عدم الحاق به معاهده به‌طور رسمی اعلام داشته و مطابق بند سه ماده ۴۵، پایان اجرای موقت معاهده به تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹ برای روسیه اجرایی شده است و در آخر اینکه روسیه تا ۲۰ سال پس از تاریخ اجرایی شدن خاتمه اجرای موقت معاهده، متعهد به اجرای بخش‌های سوم و پنجم معاهده است. ن.ک.:

*Hulley Enterprises Limited v. The Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 226) Interim Award on Jurisdiction and Admissibility Rendered on 30 November 2009, (*hereinafter referred to as Hulley Enterprises v. Russia*) para. 247.

در واقع، روسیه به منظور اثبات مغایرت ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، با نظام حقوقی‌اش مدعی بود که مطابق قوانین این کشور، این قوه مقننه است که صلاحیت دارد مجوز ارجاع اختلافات را به مرجعی بین‌المللی صادر کند و قوه مجریه صلاحیت ندارد که پیش از تصویب قوه مقننه، داوری بین‌المللی را بر کشور روسیه تحمیل کند. استدلال دولت روسیه بر دو پایه استوار بود: اولاً، رسیدگی به ادعای سهام‌داران شرکت یوکاس در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ملی روسیه است و ثانیاً، ابراز رضایت به سازوکار حل و فصل اختلافات مندرج در ماده ۲۶، در دایره اختیارات مجلس قانونگذاری این کشور قرار دارد. بنابراین اجرای موقت ماده ۲۶ پیش از تصویب پارلمان، برخلاف اصل تفکیک قوا و قانون اساسی روسیه است.<sup>۱۲</sup> دولت روسیه بر این باور بود که در نظام حقوقی این کشور، دعاوی مرتبط به حقوق عمومی و اداری، مانند دعاوی مرتبط با مالیات، ملی‌سازی یا دعاوی کیفری، قابلیت ارجاع به داوری را ندارد و حل و فصل آن در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های روسیه است. به عبارت دیگر، صرفاً اختلافات مرتبط به حقوق خصوصی، قابل ارجاع به داوری بین‌المللی است و رسیدگی به دعاوی بیگانگان راجع به حقوق عمومی، در صلاحیت دادگاه‌های داوری روسیه است.<sup>۱۳</sup>

دیوان داوری مأمور به رسیدگی به دعاوی یوکاس، پس از احراز صلاحیت خود به سال ۲۰۰۹،<sup>۱۴</sup> در ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۴ آرای ماهوی خود را صادر کرد و حکم داد که دولت روسیه از

12. T. Gazzini, "Case Comment, Yukos Universal Limited (Isle of Man) v. The Russian Federation Provisional Application of the ECT in the Yukos Case", *ICSID Review*, vol. 30, No. 2, 2015, p. 296.

13. M. D. Brauch, "Yukos v. Russia: Issues and Legal Reasoning Behind US\$50 Billion Awards", September 2014. available at: <<https://www.iisd.org/itm/2014/09/04/yukos-v-russia-issues-and-legal-reasoning-behind-us50-billion-awards/>>, (accessed 1 July 2016).

14. در ماه نوامبر ۲۰۰۹ میلادی، دیوان داوری سرمایه‌گذاری تشکیل شده در چارچوب معاهده منشور انرژی، سه رأی مستقل اما مشابه پیرامون صلاحیت خود و قابلیت استماع (Admissibility) ادعاهای اکثریت سهام‌داران شرکت نفتی یوکاس صادر کرد. دیوان متشکل از داوران پرآوازه در زمینه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، یعنی *ایو فورتییه* (Maitre L. Yves Fortier)، قاضی *استفان ام شوئبل* (Judge Stephen M. Schwebel) و دکتر *شارل پونسه* (Dr. Charles Poncet) پس از گذشت چهار سال رسیدگی صلاحیتی به اتفاق آرا مقرر کرد که ادعاهای سه شرکت یادشده، قابلیت استماع دارند و دیوان به موجب ماده ۲۶ معاهده مزبور، صلاحیت دارد که به رسیدگی خود در مورد ماهیت دعوا ادامه دهد. رأی مزبور در ۲۲۷ صفحه و ۶۰۰ پاراگراف، علاوه بر نظریات طرفین، چکیده‌ای از نظریات کارشناسی بالغ بر ۲۳ تن از صاحب‌نظران معتبر حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را دربردارد و منجر به صدور یکی از مهم‌ترین آرای داوری سرمایه‌گذاری علیه دولت روسیه شده است که در زمان آغاز داوری، معاهده منشور انرژی را به طور موقت اجرا می‌کرد.

*Hulley Enterprises v. Russia*, op. cit., para. 600; *Yukos Universal Limited v. The Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 227) Final Award Rendered on 18 July 2014, (hereinafter referred to as *Yukos Universal v. Russia (Final Award)*) para. 756; *Veteran Petroleum Limited v. the Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 228) Final Award Rendered on 18 July 2014, (hereinafter referred to as *Veteran Petroleum v. Russia (Final Award)*) para. 1188; *Yukos Universal v. Russia (Final Award)*, op. cit., para. 1188; *Hulley Enterprises Limited v. the Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 226), Final Award Rendered on 18 July 2014, (hereinafter referred to as *Hulley Enterprises v. Russia (Final Award)*) para. 1188.

تعهدات خود، ذیل معاهده اخیرالذکر، تخلف کرده و از رهگذر اجرای قوانین مالیاتی، سرمایه‌گذاری سه شرکت پیش‌گفته را برخلاف مفاد معاهده منشور انرژی، مصادره کرده است؛<sup>۱۵</sup> در نتیجه، مکلف است خسارت وارده به اکثریت سهام‌داران شرکت یوکاس به مبلغ پنجاه میلیارد دلار را جبران کند.<sup>۱۶</sup>

دیوان طی رأی مقدماتی خود، محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی را مورد مذاقه قرار داد و مقرر کرد که کشورها به‌محض امضای معاهده مزبور، ملزم می‌شوند تا یکایک مقررات این معاهده را به‌طور موقت اجرا کنند و تنها در صورتی که اجرای موقت معاهدات به‌خودی‌خود در نظام حقوقی کشوری پذیرفته نشده باشد، چنین کشوری می‌تواند اجرای معاهده را به زمان لازم‌الاجرا شدن موکول کند. شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که موضوع اجرای موقت معاهده منشور انرژی، اساسی‌ترین نقش را در سرنوشت دعوای موسوم به یوکاس ایفا کرده و به عقیده برخی از محققین به‌مثابه دریچه‌ای به سوی رسیدگی ماهوی نقش‌آفرینی کرده است.<sup>۱۷</sup> آنچه باعث اهمیت مضاعف مسئله اجرای موقت معاهده منشور انرژی شده و حاکی از فقدان قاطعیت راجع به این مقوله است، این است که پیرو اعتراض روسیه نزد دادگاه مقر داوری یعنی دادگاه ناحیه‌ای لاهه، این دادگاه به تاریخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۶، رأی مقدماتی و ماهوی دیوان داوری را به دلیل تجاوز دیوان از حدود اختیاراتش، ابطال کرده است.<sup>۱۸</sup> دادگاه استدلال خود را تنها بر عدم توانایی روسیه در اجرای موقت معاهده منشور انرژی بنیان نهاده است.<sup>۱۹</sup>

**15.** *Yukos Universal Limited v. The Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 227) Final Award Rendered on 18 July 2014, (hereinafter referred to as *Yukos Universal v. Russia (Final Award)*) para. 756.

**16.** *Veteran Petroleum Limited v. the Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 228) Final Award Rendered on 18 July 2014, (hereinafter referred to as *Veteran Petroleum v. Russia (Final Award)*) para. 1188; *Yukos Universal v. Russia (Final Award)*, op. cit., para. 1188; *Hulley Enterprises Limited v. the Russian Federation* (UNCITRAL, PCA Case No. AA 226), Final Award Rendered on 18 July 2014, (hereinafter referred to as *Hulley Enterprises v. Russia (Final Award)*) para. 1188.

**17.** U. Klaus, "The Gate to Arbitration – The Yukos Case the Provisional Application of the Energy Charter Treaty in the Russian Federation", *Transnational Dispute Management (TDM)*, vol. 2, issue. 3, June 2005, p. 2.

**18.** *The Russian Federation v. Hulley Enterprises Limited, Veteran Petroleum Limited & Yukos Universal Limited (The Hague District Court Case No. C/09/481619 / HA ZA 15-112)* Judgment of 20 April 2016, (hereinafter referred to as *Russia v. Hulley Enterprises, Veteran Petroleum & Yukos Universal*) para. 6.1. Unofficial English Translation available at: <<http://uitspraken.rechtspraak.nl/inziendocument?id=ECLI:NL:RBDHA:2016:4230>>, (accessed 25 October 2016)

**۱۹.** سهام‌داران یوکاس نیز در اعتراض به تصمیم دادگاه ناحیه‌ای، دادخواست تجدیدنظر خود را تقدیم دادگاه تجدیدنظر لاهه کرده‌اند. مطابق آخرین اطلاعات موجود، تا کنون دادگاه یادشده، تصمیمی اتخاذ نکرده است. بی‌تردید، ابطال رأی مقدماتی و به تبع آن نهایی، اهمیت موضوع صلاحیت دیوان داوری را دوچندان می‌کند، چرا که به‌طور قطع، سرنوشت اجرای بزرگ‌ترین رأی تاریخ داوری سرمایه‌گذاری در گرو تصمیم دادگاه تجدیدنظر لاهه و پس از آن، دادگاه عالی کشور هلند راجع به صلاحیت است.

نظر به اهمیت رأی دیوان داوری یوکاس به‌عنوان بزرگ‌ترین رأی تاریخ داوری و تأثیر بسزایی که بر آرای پس از خود خواهد گذاشت، بررسی محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی از رهگذر مطالعه رأی دیوان داوری یوکاس، ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. به همین منظور، این نوشتار به مطالعه ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی در چارچوب پرونده یوکاس اختصاص داده شده است؛ بدین ترتیب که ابتدا ارتباط میان محدودیت‌های مندرج در دو بند نخست ماده ۴۵ تحلیل می‌شود، سپس به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا استناد به محدودیت بند یک ماده ۴۵، مستلزم اطلاع‌رسانی پیشین است؟ در نهایت، به مهم‌ترین و مؤثرترین قسمت ماده ۴۵ یعنی آثار استناد به محدودیت یادشده پرداخته می‌شود.

### ۱. ارتباط میان محدودیت‌های بندهای یک و دو ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی

روند انعقاد معاهدات، اصولاً از سه مرحلهٔ امضا، تصویب و لازم‌الاجراشدن تشکیل شده است. کشورها با امضای معاهده، رضایت خود را به التزام به آن، پس از تصویب معاهده توسط مراجع ذی‌صلاح ملی اعلام می‌نمایند،<sup>۲۰</sup> اما تأسیس اجرای موقت، استثنایی بر این اصل وارد کرده و اقتضا دارد که کشورها به معاهده‌ای که بر اساس موازین حقوق بین‌الملل به مرحله لازم‌الاجراشدن نرسیده است، قدرت اجرایی بدهند.<sup>۲۱</sup> یکی از معضلاتی که ممکن است پیرو پذیرش اجرای موقت معاهدات بروز کند این است که اجرای موقت بدون در نظر داشتن محدودیت‌های قوانین ملی کشورها راجع به طی کردن فرایند داخلی تصویب، مورد توافق قرار گیرد.<sup>۲۲</sup> از این‌رو، در کنار مواد مرتبط به اجرای موقت در معاهدات بین‌المللی، اصولاً روش‌هایی برای معافیت از اجرای موقت پیش‌بینی می‌شود و به کشورها این توانایی را می‌دهد تا در شرایط خاصی، بتوانند خود را از قید اجرای موقت معاهده رها سازند.<sup>۲۳</sup> مطابق متن بند یک ماده ۴۵، اجرای موقت معاهده منشور انرژی در بردارنده محدودیتی است که به‌موجب آن، امضاکنندگان از این امکان برخوردارند تا در صورت وجود مغایرت در قوانین داخلی‌شان، اجرای معاهده را به زمان

20. Niebruegge, *op. cit.*, p. 355.

21. A. Q. Mertsch, *Provisionally Applied Treaties, their Binding Force and Legal Nature*, Leiden, Brill, 2012, p. 3. available from Google Books (accessed 3 October 2016).

22. S. Djajic, "Provisional Application of Treaties: Critical Assessment of the Rule and International Investment Awards", *Harmonization of Serbian and Hungarian Law with the European Union Law*, vol. 2, December 2013, p. 360.

23. M. Polkinghorn & L. Gouiffes, "Provisional Application of the Energy Charter Treaty: the Conundrum", in G. Coop (ed.), *Energy Dispute Resolution: Investment Protection, Transit and the Energy Charter Treaty*, New York, Juris Net Llc, 2011, p. 259.

لازم‌الاجرا شدن آن موکول کنند.<sup>۲۴</sup>

علاوه بر محدودیت موصوف، حدود و ثغور اجرای موقت به وسیله بند دو ماده ۴۵ نیز قابل تعدیل است.<sup>۲۵</sup> مطابق جزء الف بند دو ماده ۴۵، هریک از امضاکنندگان می‌توانند در زمان امضا، به‌طور داوطلبانه، اعلامیه‌ای نزد امین معاهده تودیع کنند و بدین‌وسیله، عدم پذیرش اعمال موقت معاهده را به‌طور صریح به اطلاع سایرین برسانند.<sup>۲۶</sup>

در همین راستا، شیوه نگارش ماده ۴۵ ابهاماتی راجع به ارتباط میان این دو بند به وجود آورده است. پرسش اصلی این است که آیا بندهای یک و دو ماده ۴۵ به روش‌هایی مستقل برای معافیت از اجرای موقت معاهده منشور انرژی اشاره می‌کنند و در نتیجه معاهده منشور انرژی در بردارنده دو روش مجزا برای معافیت است؟ یا اینکه نباید استقلالی برای این دو بند قائل شد و تعامل و تأثیر آن‌ها در یک راستا تجلی می‌یابد. در این مبحث پیش از مطالعه رهیافت دیوان یوکاس و بررسی رویکرد این دیوان، نظرات دیوان یونیس کارد/سوپولوس که پیش از دیوان یوکاس به این موضوع پرداخته بود، مرور خواهد شد.

### ۱-۱. رویکرد دیوان داوری یونیس کارد/سوپولوس

دیوان یونیس کارد/سوپولوس، اولین دیوان داوری سرمایه‌گذاری است که پیش از دیوان داوری یوکاس در خصوص محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی، رأی صادر کرده است. این دعوا مطابق بند چهار ماده ۲۶ معاهده یادشده، نزد ایکسید علیه گرجستان مطرح شده بود. در این پرونده، سرمایه‌گذار یونانی، آقای کارد/سوپولوس مدعی بود که گرجستان با صدور بخشنامه‌ای، حقوق وی را در خصوص ساخت خط لوله نفت و گاز در گرجستان، ملغی کرده

۲۴. بند یک ماده ۴۵ اشعار می‌دارد: «۱. هریک از امضاکنندگان می‌پذیرد که این معاهده را پیش از لازم‌الاجرا شدن، مطابق آنچه در ماده ۴۴ این معاهده مقرر شده است، تا حدی که چنین اجرای موقتی با قانون اساسی، قوانین و مقررات آن کشور مغایرت نداشته باشد، به‌طور موقت اجرا نماید...».

25. *Ibid.*, at p. 9.

۲۶. بند دو ماده ۴۵ اشعار می‌دارد: «۲... الف. بدون توجه به بند یک، هریک از امضاکنندگان می‌تواند در زمان امضا، اعلامیه‌ای دایر بر عدم توانایی خود در اجرای موقت نزد امین معاهده، تودیع نماید. تعهد مندرج در بند یک، شامل امضاکننده‌ای که چنین اعلامیه‌ای را تودیع نموده است، نخواهد شد. چنین امضاکننده‌ای می‌تواند اعلامیه خود را در هر زمان پس بگیرد...».

لازم به ذکر است که وفق بند سه ماده ۴۵، امضاکنندگان، توانایی خاتمه اجرای موقت را پس از امضا و پیش از اتمام مدت اجرای موقت دارند. توضیح اینکه امضاکنندگان می‌توانند اجرای موقت معاهده را از طریق ارسال اعلامیه‌ای کتبی به امین معاهده مبنی بر عدم تمایل خود به الحاق به معاهده، خاتمه بخشند. در این صورت، خاتمه اجرای موقت پس از گذشت ۶۰ روز از زمان دریافت اعلامیه کتبی توسط امین معاهده، قدرت اجرایی می‌یابد. لیکن چنین امضاکننده‌ای قاعداً تا ۲۰ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن خاتمه اجرای موقت، کماکان متعهد است که بخش‌های سوم و پنجم معاهده منشور انرژی را، صرفاً در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی که در قلمرو این کشور در طول مدت زمان اجرای موقت صورت گرفته است، به‌طور موقت اجرا کند.

است.<sup>۲۷</sup> وی دعوی خود را بر اساس معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بین یونان و گرجستان و همچنین معاهده منشور انرژی، طرح و اذعان کرد که گرجستان به تعهدات خود، ذیل دو سند بین‌المللی مزبور پایبند نبوده است. یونان و گرجستان، معاهده منشور انرژی را در دسامبر ۱۹۹۴ امضا کرده بودند. گرجستان در ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۵ و یونان در ۴ سپتامبر ۱۹۹۷ معاهده را تصویب کردند. لذا معاهده برای هر دوی آن‌ها در آوریل ۱۹۹۸ لازم‌الاجرا شده بود و اختلاف نظر، وقایع بین سال‌های ۱۹۹۴ یعنی سال امضا و ۱۹۹۸ یعنی سال لازم‌الاجرا شدن معاهده منشور انرژی را دربرمی‌گرفت.<sup>۲۸</sup>

در این دعوا گرجستان بر این باور بود که اقداماتی که به زعم خواهان، منجر به محرومیت وی از سرمایه‌گذاری‌اش شده است، پیش از لازم‌الاجرا شدن معاهده منشور انرژی به وقوع پیوسته است و نظر به اینکه خواهان مستحق بهره‌مندی از حمایت‌های این معاهده تا تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۸ یعنی تاریخ به‌اجرا آمدن آن نبوده است، دیوان داوری صلاحیت زمانی را برای رسیدگی به ادعاهای خواهان ندارد. گرجستان ضمن استناد به محدودیت بند یک ماده ۴۵، این‌گونه استدلال کرد که معاهده منشور انرژی به‌طور موقت قابلیت اجرا نداشته است زیرا مطابق بند یک ماده ۴۵، هنگامی که اجرای موقت با قانون اساسی، قوانین و مقررات کشور امضاکننده مغایر باشد، این معاهده به‌صورت موقت قابل اجرا نخواهد بود. این کشور بیان داشت که اجرای موقت با قوانین و مقررات هر دو کشور یونان و گرجستان مغایر است. استناد آن به اصل ۲۸ قانون اساسی یونان بود که اشعار می‌دارد معاهدات پس از تصویب مطابق قانون یونان، به بخش جدایی‌ناپذیر قانون این کشور مبدل می‌شود.

در خصوص قانون گرجستان نیز با استناد به ماده ۲۰ قانون معاهدات بین‌المللی گرجستان که اجرای موقت معاهده را ممنوع اعلام می‌کند، ادعا شد که با استناد به محدودیت بند یک ماده ۴۵، گرجستان قادر به اجرای معاهده به‌صورت موقت نیست و در نتیجه، دیوان فاقد صلاحیت است.<sup>۲۹</sup> *کارد/اسوپولوس* در مقابل مدعی بود که استفاده از محدودیت مقرر شده در بند یک ماده ۴۵ مستلزم تودیع اعلامیه یادشده در بند دو ماده ۴۵ است، در حالی که گرجستان چنین اعلامیه‌ای را نزد امین معاهده تودیع نکرده است؛ در نتیجه مستحق نیست که به محدودیت مندرج در بند یک، استناد کند.<sup>۳۰</sup>

27. *Ioannis Kardassopoulos v. Georgia* (ICSID Case No. ARB/05/18) Decision on Jurisdiction of 6 July 2007, (hereinafter referred to as *Kardassopoulos v. Georgia*) paras. 20-41.

28. Djajic, *op. cit.*, p. 356.

29. *Kardassopoulos v. Georgia*, *op. cit.*, paras. 71-78.

30. *Ibid.* at para. 79.



دیوان مأمور به رسیدگی به این پرونده حکم داد که ارتباطی میان این دو بند وجود ندارد و اعلامیه مندرج در بند دو، الزاماً به دلیل وجود مغایرت بین قوانین و مقررات داخلی و نهاد اجرای موقت معاهده، تودیع نمی‌شود، بلکه ممکن است امضاکننده‌ای به دلایلی غیر از ملاحظات مرتبط به قوانین داخلی‌اش، اعلامیه‌ای منطبق با بند دو ماده ۴۵ تودیع کند. همچنین در صورت وجود مغایرت میان اجرای موقت و قوانین داخلی هریک از امضاکنندگان، چنین کشوری مستحق بهره‌مندی از معافیت بند یک، بدون تودیع اعلامیه‌ای خواهد بود.<sup>۳۱</sup>

### ۲-۱. رویکرد دیوان داوری یوکاس و دادگاه ناحیه‌ای لاهه

همان‌طور که ملاحظه شد، چالش اصلی در این قسمت این است که آیا امضاکنندگانی که به هنگام امضای معاهده منشور انرژی، اعلامیه‌ای در خصوص عدم توانایی خود در اجرای موقت نزد امین معاهده تودیع نکرده‌اند، از حق خود برای خودداری از اجرای موقت به دلیل وجود مغایرت بین قوانین ملی و اجرای موقت معاهده اعراض<sup>۳۲</sup> کرده‌اند؟ در دعوی یوکاس، دولت روسیه مدعی بود که محدودیت بند یک و مفاد بند دو این ماده، معرف دو روش مجزا برای معافیت از اجرای موقت معاهده هستند که به صورت مستقل نقش‌آفرینی می‌کنند؛ بدین توضیح که محدودیت بند یک ماده ۴۵ صرفاً در صورت وجود مغایرت بین نظام حقوقی کشور امضاکننده با هریک از مقررات معاهده منشور انرژی مؤثر است؛ درحالی‌که بند دو، ناظر به شرایطی است که هریک از امضاکنندگان به دلایل سیاسی یا سایر دلایل، قادر به اجرای موقت معاهده نیستند و از همین رو به‌طور داوطلبانه، خود را از اجرای موقت معاف کنند.<sup>۳۳</sup> اما خواهان‌های دعوی یوکاس بر این باور بودند که بندهای یک و دو ماده ۴۵ در تعامل هستند، به‌طوری‌که بند یک ماده ۴۵ گویای اصل اجرای موقت معاهده منشور انرژی و همین‌طور محدودیت است، لیکن بند دو، چگونگی و آیین شکلی استناد به محدودیت بند یک را تشریح می‌کند.<sup>۳۴</sup>

دیوان یوکاس در پاسخ به اینکه آیا بندهای یک و دو ماده ۴۵ دربردارنده دو روش مجزا برای عدم پذیرش اجرای موقت هستند یا اینکه هر دو بند به یک سازوکار یکسان برای معافیت اجرای موقت اشاره می‌کنند، با استناد به مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین و با تکیه بر معنای معمولی اصطلاحات ماده ۴۵ در پرتو موضوع و هدف معاهده منشور انرژی، حکم داد که متن بند یک ماده ۴۵، بیانگر هیچ‌گونه تعهدی برای امضاکننده به تودیع اعلامیه مذکور در بند دو ماده ۴۵ نیست. دیوان بر این باور بود که عبارت «بدون توجه به» که در ابتدای بند دو ماده ۴۵ استفاده

31. *Ibid.* at para. 228.

32. Waiver

33. *Hulley Enterprises v. Russia, op. cit.*, paras. 24, 71.

34. *Ibid.* at paras. 257, 263.

شده است، مرزی را بین این دو بند رسم می‌کند.<sup>۳۵</sup> دیوان در حمایت و پشتیبانی از استدلال خود به دو دلیل متمسک شد:

- استفاده از فعل می‌تواند به جای می‌بایست در بند دو ماده ۴۵، آشکارکننده ماهیت اختیاری مندرجات بند دو ماده ۴۵ است.

- بند دو ماده ۴۵ با عبارت «بدون توجه به» آغاز می‌شود که این خود نمایانگر استقلال و انفکاک بند یک از بند دو است.

دیوان در راستای تأیید و تقویت تصمیم خود به رویه سایر امضاکنندگان که با استناد بر بند یک ماده ۴۵، بدون تودیع اعلامیه‌ای توانسته بودند از معافیت بند یک برخوردار شوند، استناد کرد. کشورهای اتریش، لوگزامبورگ، ایتالیا،<sup>۳۶</sup> پرتغال، رومانی و ترکیه، بدون تودیع اعلامیه رسمی مطابق آنچه در بند دو ماده ۴۵ مشخص شده است، توانسته بودند به محدودیت بند یک ماده ۴۵ استناد کنند. از سوی دیگر، کشورهای نروژ، استرالیا و ایسلند با تودیع اعلامیه رسمی، به‌گونه‌ای که در بند دو ماده ۴۵ مقرر شده است، عدم توانایی خود را در اجرای موقت معاهده اعلام کرده بودند. از میان این کشورها، استرالیا<sup>۳۷</sup> و نروژ<sup>۳۸</sup> تا کنون معاهده را تصویب نکرده‌اند، لذا معاهده به‌جز بخش هفتم، برای آن‌ها الزام‌آور نیست. ایسلند نیز معاهده را مورخ ۷ ژوئیه ۲۰۱۵ به تصویب رساند.<sup>۳۹</sup> واضح است که تصمیم دیوان در خصوص ارتباط بندهای یک و دو، رویکرد دیوان کاردا/سوپولوس را تحکیم کرد.<sup>۴۰</sup>

ارتباط میان بندهای یک و دو ماده ۴۵ مورد مذاقه دادگاه ناحیه‌ای لاهه نیز قرار گرفته است. از نقطه نظر این دادگاه، تصمیم دیوان دآوری در این بخش از رأی مقدماتی، موجه و مدلل است. این دادگاه بر این باور است که معافیت از اجرای موقت، مطابق بند یک ماده ۴۵، مستلزم تودیع اعلامیه نزد امین معاهده به‌موجب بند دو ماده ۴۵ نیست. دادگاه همانند دیوان یوکاس تأکید نموده است که عبارت «بدون توجه به» به‌وضوح، خط مقسم دقیقی بین این دو بند ترسیم می‌کند.<sup>۴۱</sup>

35. *Hulley Enterprises v. Russia, op. cit.*, para. 262.

36. ایتالیا به تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴، امین معاهده منشور انرژی را از قصد خود، دایر بر کناره‌گیری از معاهده مزبور مطلع کرد. مطابق ماده ۴۷ معاهده، کناره‌گیری این کشور، یک سال پس از دریافت اطلاعیه، یعنی اول ژانویه ۲۰۱۶، مؤثر شده است.

37. See: <<http://www.energycharter.org/who-we-are/members-observers/countries/australia/>>, (accessed 1 October 2016)

38. See: <<http://www.energycharter.org/who-we-are/members-observers/countries/norway/>>, (accessed 1 October 2016)

39. See: <<http://www.energycharter.org/who-we-are/members-observers/countries/iceland/>>, (accessed 1 October 2016)

40. Laidlaw, *op. cit.*, p. 656.

41. *Russia v. Hulley Enterprises, Veteran Petroleum & Yukos Universal, op. cit.*, para. 5.27.

باید گفت که به‌طور کلی، در خصوص ارتباط میان بندهای یک و دو ماده ۴۵ دو دیدگاه وجود دارد: اولین دیدگاه، در داوری ایکسید در دعوی کار/داسوپولوس پایه‌گذاری شده و به نظر می‌رسد که در رویه داوری در خصوص آن، وحدت‌نظر وجود دارد. در مقابل این نگرش، رویکرد دیگری وجود دارد: به عقیده پروفیسور ریزمن،<sup>۴۳</sup> بندهای یک و دو ماده ۴۵ با یکدیگر تفسیر و به کار گرفته می‌شوند. وی این‌گونه استدلال می‌کند که واژه «نمی‌تواند» مذکور در بند دو ماده ۴۵ به وجود مغایرت بین نهاد اجرای موقت و قوانین و مقررات داخلی کشورها بازمی‌گردد. لذا شامل دلایل سیاسی و غیرسیاسی تعریف‌نشده و نامحدود نیست.<sup>۴۳</sup> به بیان دیگر، امضاکننده نمی‌تواند به دلیلی غیر از آنچه در بند یک مرقوم شده است، با تودیع اعلامیه‌ای نزد امین معاهده، از اجرای موقت سرباز زند. دقت نظر در سوابق مذاکرات تنظیم معاهده منشور انرژی باعث می‌شود که در وهله نخست، استدلال پروفیسور ریزمن، صحیح به نظر رسد زیرا مطابق سوابق مذاکرات، دغدغه اصلی مذاکره‌کنندگانی همچون کانادا، نروژ، ژاپن، مجارستان، رومانی و ایالات متحده که نسبت به اجرای موقت، واکنش منفی نشان دادند، ریشه در تعارض بین اجرای موقت و قوانین داخلی این کشورها دارد. مطالعه این سوابق نشان می‌دهد که مقصود نمایندگان این بوده است که کشوری که نمی‌تواند معاهده را به‌صورت موقت اجرا کند، باید این موضوع را به سایرین اطلاع دهد تا اجرا یا عدم اجرای معاهده با رعایت شفافیت صورت پذیرد. به‌علاوه، واژه نمی‌تواند در بند دو ماده ۴۵ دال بر وجود مانعی خارج از کنترل است. اگر منظور نمایندگان این بود که کشورها بتوانند به هر دلیلی شامل دلایل سیاسی، اعلامیه بند دو ماده ۴۵ را تودیع نمایند، از واژه‌های دیگری همانند تمایل ندارند یا قصد ندارند استفاده می‌کردند.

لیکن به نظر می‌رسد تفسیر دیوان و همچنین دادگاه ناحیه‌ای شهر لاهه پیرامون ارتباط بین بندهای یک و دو صحیح‌تر باشد، چرا که مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، تفسیر ماده ۴۵ باید در وهله اول با تأکید بر متن این ماده در پرتو موضوع و هدف معاهده صورت پذیرد. نتیجه‌ای که از معنای متداول و معمولی عبارات این دو بند مستفاد می‌شود این است که بند یک ماده ۴۵ شامل مقرره‌ای امری برای امضاکنندگان است و آنان را ملزم به اجرای موقت معاهده می‌کند؛ در عین حال، مجوز عدم پذیرش این نهاد را تحت شرایطی صادر می‌کند. اما بند دو ماده ۴۵ تکمیلی است و کشورها بنا به خواست و اراده خود، آزادند با تودیع اعلامیه نزد امین معاهده، از مزایای این بند برخوردار شوند.<sup>۴۴</sup>

42. W. Michael Reisman

43. W. M. Reisman, 'The Provisional Application of the Energy Charter Treaty', in G. Coop & C. Ribeiro (ed.), *Investment Protection and the Energy Charter Treaty*, New York, Juris Publishing, Inc., 2008, cited in Gazzini, *supra* note 3, p. 6.

44. Gazzini, *supra* note 12, p. 296.

بنا بر آنچه گفته شد، واضح است که دو مرجع پیش‌گفته، به‌درستی به اهمیت وجود عبارت «بدون توجه به»، در ابتدای بند دو ماده ۴۵ پی برده‌اند. چنانچه این بند بدون چنین عبارتی آغاز می‌شد، پذیرفتن اینکه میان این دو بند ارتباط وجود دارد، محتمل بود. گویی هدف از وضع آن، تأکید بر استقلال کارکرد مفاد این دو بند بوده است. جدابودن نگارش این دو بند نیز مؤید حقانیت دیدگاه دیوان و دادگاه است. چنانچه نیت مذاکره‌کنندگان بر ارتباط بین محدودیت بند یک و بند دو بود، مفاد هر دو بند در قالب یک پاراگراف تدوین می‌شد.<sup>۴۵</sup>

## ۲. شرایط استناد به محدودیت مندرج در بند یک ماده ۴۵

ابهام دوم، راجع به نظام اجرای موقت، شرایط و ضوابط استناد پیروزمندانه به محدودیت بند یک ماده ۴۵ است. به‌واقع، پرسش اصلی در این مرحله، عبارت است از اینکه آیا به‌طور کلی ارسال اعلامیه یا اخطاریه به هر شکل، برای استناد به محدودیت یادشده ضروری است؟ همان‌طور که در ادامه شرح داده خواهد شد، تمرکز اصلی در این مرحله، بر تفسیر بند یک ماده ۴۵ قرار دارد.<sup>۴۶</sup> در دعوی یوکاس، خواهان‌های دعوا و دولت روسیه بر سر این واقعیت که روسیه موضوع عدم توانایی خود را در اجرای معاهده به سایر امضاکنندگان اطلاع نداده است، اختلاف‌نظری نداشتند. خوانده مدعی بود که ارسال اعلامیه برای استناد به محدودیت بند یک ماده ۴۵ ضروری نیست و برای اثبات این ادعای خود، به عملکرد لوگزامبورگ در این خصوص استناد کرده بود. لوگزامبورگ،<sup>۴۷</sup> علی‌رغم اینکه هیچ‌گونه اعلامیه‌ای صادر نکرده بود، با استناد به بند یک ماده ۴۵ اجرای موقت معاهده را نپذیرفته بود.<sup>۴۸</sup> لیکن سهام‌داران یوکاس ادعا کرده بودند که حتی با در نظر گرفتن اینکه بندهای یک و دو ماده ۴۵ به‌طور مستقل به کار گرفته می‌شوند، به دلیل لزوم رعایت شفافیت، استناد به بند یک ماده ۴۵ نیز مستلزم اطلاع به سایرین است، چرا که سرمایه‌گذاران، تعهدی به آگاهی از قوانین و مقررات سایر کشورها ندارند. همچنین اظهار کردند که قطعیت و قابلیت پیش‌بینی حقوقی ایجاب می‌کند که در زمان مذاکره، طرف‌های معاهده از عدم توانایی دیگر طرف‌ها در اجرای موقت مطلع شوند.<sup>۴۹</sup>

45. *Ibid.* at p. 295.

46. *Ibid.* at p. 296.

47. خاطرنشان می‌سازد که لوگزامبورگ معاهده را مورخ ۷ فوریه ۱۹۹۷ تصویب کرده است. ن.ک: وبسایت رسمی معاهده منشور انرژی به نشانی ذیل:

<<http://www.energycharter.org/who-we-are/members-observers/countries/luxembourg/>>, (accessed 20 October 2016)

48. *Hulley Enterprises v. Russia, op. cit.*, para. 271.

49. *Ibid.* at para. 275.

## ۱-۲. شرایط استناد به بند یک ماده ۴۵ در پرتو رأی دیوان داوری یوکاس و دادگاه ناحیه‌ای شهر لاهه

دیوان یوکاس در پاسخ به پرسش فوق، عمیقاً بر این باور بود که می‌بایست میان آنچه باید ذیل بند یک ماده ۴۵ تدوین می‌شد و آنچه در نهایت به انشا درآمد، قائل به تفکیک شد. دیوان داوری متذکر شد که گرچه هیئت‌های نمایندگی سوئیس، اتریش، مجارستان، نروژ، رومانی و ژاپن که طی مذاکرات، مدعی وجود مغایرت در قوانین خود بودند، در نهایت، موضع خود را در قبال معاهده منشور انرژی با صدور اعلامیه‌ای به اطلاع سایرین رساندند، اما متن بند یک ماده ۴۵ لزوم ارسال هیچ اعلامیه‌ای را به‌منظور تمسک به محدودیت بند یک ماده ۴۵ ضروری نمی‌داند. بنابراین اتکا به محدودیت بند یک ماده ۴۵ نیازمند ارسال هیچ‌گونه اعلامیه‌ای نیست و صرف وجود مغایرت بین نظام اجرای موقت و قوانین داخلی امضاکننده، این کشور را از اعمال تعهدات معاهده، به‌صورت خودکار معاف می‌کند.<sup>۵۰</sup>

این موضوع در دادگاه ناحیه‌ای لاهه نیز بررسی شد. این دادگاه، ضمن تأیید دیدگاه دیوان یوکاس، اعلام داشت امضاکنندگانی که مطابق بند دو ماده ۴۵ قصد معافیت از اجرای موقت معاهده منشور انرژی را دارند، موظف‌اند اعلامیه‌ای مطابق آنچه ذیل این بند مقرر شده است، تودیع کنند. لیکن چنین تکلیفی بر عهده کشورهایایی که قصد استناد به بند یک این ماده را دارند، نیست. ایشان بدون تسلیم اعلامیه‌ای، قادر به استناد به محدودیت بند یک ماده ۴۵ هستند.<sup>۵۱</sup>

داوران یوکاس و دادگاه لاهه در پاسخ به پرسش این بخش بر این باورند که بسیاری از شرکت‌کنندگان، عدم لزوم ارسال اعلامیه را، در راستای هدف مذاکره‌کنندگان معاهده منشور انرژی، دایر بر آغاز اجرای موقت در اسرع وقت، پیش‌بینی کردند<sup>۵۲</sup> زیرا ارسال اعلامیه، کشورها را وادار به تحقیق و تفحص در قوانین داخلی خود می‌کرد و این موضوع، روند امضای معاهده را به تأخیر می‌انداخت.<sup>۵۳</sup>

## ۲-۲. نقد و بررسی رأی دیوان داوری و دادگاه ناحیه‌ای شهر لاهه در مورد بند یک ماده ۴۵

در تحلیل محدودیت بند یک ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی باید در نظر داشت که اصولاً هدف غایی هر معاهده سرمایه‌گذاری، در وهله نخست، پوشش مخاطراتی است که در رابطه طولانی‌مدت سرمایه‌گذاری، امکان بروز آن‌ها وجود داشته و در وهله بعدی ایجاد ثبات و افزایش

50. *Ibid.* at para. 283

51. *Russia v. Hulley Enterprises, Veteran Petroleum & Yukos Universal, op. cit.*, para. 5.28.

52. Gazzini, *supra note 12*, p. 299.

53. *Ibid.* at p. 296.

هرچه بیشتر قابلیت پیش‌بینی‌پذیری شرایط، در فضای مساعد برای سرمایه‌گذاری است. معاهده منشور انرژی نیز در این زمینه مستثنا نیست.<sup>۵۴</sup> بر این اساس باید گفت که تفسیر مبتنی بر حسن‌نیت و در پرتو موضوع و هدف معاهده منشور انرژی اجازه نمی‌دهد که امضاکننده‌ای بدون اینکه در زمان امضای معاهده به سایرین اطلاعی داده باشد، پس از امضا ادعا کند که قوانین و مقررات داخلی‌اش با اجرای موقت مغایرت دارد. به‌واقع این تفسیر، به تحکیم حاکمیت قانون و به کاهش خطرات مرتبط به سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی کمکی نمی‌کند.

از میان مقررات مندرج در کنوانسیون وین، نباید به هنگام تحلیل بند یک ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی، دو ماده ۲۷ و ۴۶ این کنوانسیون را از نظر دور داشت. مطابق ماده ۲۷ کشورها نمی‌توانند به قوانین داخلی خود به‌عنوان توجیهی برای عدم رعایت معاهدات استناد کنند. در قسمت‌نهایی این ماده پیش‌بینی شده است که این مقرره، تأثیری بر ماده ۴۶ نخواهد گذاشت. مطابق مفهوم قسمت آخر بند یک ماده ۴۶، کشورها حتی پس از سپری‌شدن فرایند تصویب داخلی و لازم‌الاجراشدن معاهدات بین‌المللی، در صورت اثبات اینکه رضایت آن‌ها به معاهده بین‌المللی به قوانین داخلی‌شان راجع به صلاحیت (که دارای اهمیت اساسی است)، به نحو بارزی تجاوز می‌نماید، می‌توانند مدعی معیوب‌بودن رضایت خود در پیوستن به معاهده بین‌المللی شوند. دقت در این ماده از این حیث اهمیت دارد که چنانچه کشورهایی که معاهدات را به‌طور قطعی تصویب کرده‌اند، این توانایی را دارند که پس از امضا با استناد به ماده فوق، مدعی بی‌اعتباری رضایت خود شوند، مسلماً کشورهایی که به‌موجب نظام اجرای موقت، معاهده منشور انرژی را به مورد اجرا گذارده‌اند، به‌طریق‌اولی می‌توانند با تکیه بر مقرره یادشده، از اجرای موقت خودداری کنند.

نتیجه‌ای که از این نقطه‌نظر حاصل می‌شود این است که کشورهایی که به هنگام امضای معاهده منشور انرژی، موضوع عدم امکان اجرای موقت را به اطلاع سایرین نرسانده‌اند، در صورت اثبات نقض مقررات حقوق داخلی راجع به صلاحیت انعقاد این معاهده، می‌توانند با استناد به بند یک ماده ۴۶ کنوانسیون وین، از اجرای موقت معاهده منشور انرژی سرباززنند. باوجود این، باید گفت رهیافت دیوان و دادگاه لاهه در تعارض با شفافیت<sup>۵۵</sup> و انتظارات مشروع<sup>۵۶</sup> سرمایه‌گذار خارجی است. منظور از شفافیت این است که نظام حقوقی دولت میزبان، جهت فعالیت‌های سرمایه‌گذار، شفاف و واضح بوده و هرگونه تصمیم‌گیری دولت که بر سرمایه‌گذار خارجی تأثیر بگذارد در چارچوب این نظام حقوقی اتخاذ شود. در این راستا دکترین

۵۴. پیران، حسین؛ مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، گنج دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶.

55. Transparency

56. Legitimate Expectations

انتظارات مشروع در بررسی برخی از اختلافات سرمایه‌گذاری، نقش مهمی ایفا می‌کند. از مبانی شکل‌گیری انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی، ثبات نظام حقوقی دولت میزبان و هرگونه تعهد و مسئولیتی است که توسط دولت میزبان، چه به صورت ضمنی و چه به صورت صریح پذیرفته شده است.<sup>۵۷</sup> بنابراین دولت میزبان همواره باید آگاه باشد که قوانین و مقررات و تعهدات بین‌المللی وی در زمان سرمایه‌گذاری، مبنای انتظارات مشروع سرمایه‌گذار تلقی می‌شوند،<sup>۵۸</sup> به‌علاوه به موجب حقوق بین‌الملل تعهد دارد تا از طریق اعمال تغییرات در قوانین خود، سطح امنیت سرمایه‌گذاری را کاهش ندهد.<sup>۵۹</sup>

نباید از نظر دور داشت که از منظر حقوقی، یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده در سرمایه‌گذاری برون‌مرزی، پیش‌بینی و مدیریت مخاطرات حقوقی بالقوه و اجتناب‌ناپذیری است که در این رابطه درازمدت نهفته است. از این‌رو، این وظیفه سرمایه‌گذار است که از قوانین و مقررات کشور میزبان آگاهی داشته باشد و همواره تلاش مقتضی را برای آشنایی با نظام حقوقی دولت میزبان انجام دهد.<sup>۶۰</sup> اصولاً سرمایه‌گذاران، پیش از انجام سرمایه‌گذاری، از طریق وکلای محلی، قوانین و مقررات دولت میزبان را به‌طور دقیق بررسی می‌کنند و با اتکا به این واقعیت که دولت میزبان معاهده منشور انرژی را به صورت موقت اجرا می‌کند، مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین سرمایه‌گذار با شناسایی چالش‌های بالقوه، برای سرمایه‌گذاری خود، برنامه‌ریزی مناسب حقوقی انجام می‌دهد که طی آن نه تنها پروژه به صورت کلی اجرایی شود، بلکه باید خطرهای احتمالی در خلال دوره سرمایه‌گذاری نیز به حداقل برسد. این برنامه‌ریزی اولیه و پیش‌بینی خطرها، برای سرمایه‌گذار جنبه اساسی دارد.<sup>۶۱</sup> پس از آن سرمایه‌گذار از دولت میزبان انتظار دارد که شفافیت را در روابط دو طرف رعایت کند، به نحوی که سرمایه‌گذار بتواند از هرگونه مقرراتی که بر سرمایه‌گذاری اش حاکم خواهد بود، آگاهی داشته باشد و هرگونه تغییری در این نظام حقوقی به راحتی برای وی قابل شناسایی باشد تا قادر باشد همان گونه که اشاره رفت، برای سرمایه‌گذاری خود برنامه‌ریزی کند.<sup>۶۲</sup>

با وجود این، نمی‌توان انتظار داشت که نظام حقوقی دولت میزبان تحت هیچ شرایطی تغییر

۵۷. شروتر، کریستف و رودلف دالزر؛ *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمه: سیدقاسم زمانی و به‌آذین حسینی، شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰.

۵۸. بهمنی، محمدعلی و نجمه تقوی؛ «حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار و چالش‌های فراروی آن در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۳۹۵، شماره ۷۴، ص ۱۴۸.

۵۹. پیشین، ص ۱۳۳.

۶۰. پیشین، ص ۱۵۶.

۶۱. شروتر و دالزر؛ همان، ص ۲۲.

۶۲. پیشین، ص ۲۱۵.

نکند و قدرت قانونگذاری دولت، نادیده گرفته شود. لذا تحمیل این مسئولیت که شرایط غالب در حین سرمایه‌گذاری بدون تغییر بماند، غیرممکن است. اما باید گفت که این مسئله بدین معنا نیست که دولت میزبان بتواند خودسرانه در تعهدات بین‌المللی خود تغییراتی ایجاد کند، بلکه این حق باید به نحو درستی اعمال شود<sup>۶۳</sup> و دولت باید چارچوب قانونی باثباتی را از لحاظ تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کند.<sup>۶۴</sup> اما باید گفت تفسیر دیوان دآوری و دادگاه لاهه، متضمن این است که سرمایه‌گذاری که با تکیه بر حمایت‌های معاهده منشور انرژی در قلمرو یکی از کشورهای عضو سرمایه‌گذاری کرده است، در زمان بروز اختلاف، با دفاع دولت میزبان مبنی بر عدم امکان اجرای موقت مواجه شده و خلع سلاح شود.<sup>۶۵</sup>

هرچند معاهده منشور انرژی، صراحتی در خصوص لزوم اطلاع‌رسانی برای استناد به بند یک ماده ۴۵ ندارد و اگرچه در تفسیر مواد معاهده مزبور، تأکید اصلی باید بر شیوه نگارش ماده مربوطه قرار داشته باشد، نباید از یاد برد که غرض اصلی از چنین تأکیدی، یافتن اراده مشترک طرف‌های معاهده است.<sup>۶۶</sup> در اینجا مروری بر کارهای مقدماتی تدوین بند یک ماده ۴۵ خالی از فایده نیست. مراجعه به اقدامات مقدماتی نگارش ماده ۴۵ آشکارکننده نیت مذاکره‌کنندگان بر رعایت شفافیت در اجرای موقت معاهده منشور انرژی است.<sup>۶۷</sup> شاهد این مدعا همین بس که در جریان مذاکرات معاهده، به لزوم رعایت شفافیت اشاره شد؛ بدین ترتیب که دبیرخانه معاهده منشور انرژی در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۹۴ به هیئت‌های نمایندگی، التزام به شفافیت را متذکر شد و مقرر کرد که تمامی هیئت‌های نمایندگی باید پیش از امضا از وضعیت اجرای موقت معاهده توسط سایر کشورها آگاه شوند.<sup>۶۸</sup> بنابراین هدف مذاکره‌کنندگان این بوده است که قابلیت تمیز بین کشورهایی را که تمایل به اجرای موقت معاهده داشتند از کشورهایی که قادر به اجرای موقت معاهده نبودند، فراهم آورند.<sup>۶۹</sup>

با در نظر داشتن توضیحات فوق باید گفت نتیجه‌ای که از تفسیر دیوان و به دنبال آن، دادگاه لاهه حاصل می‌شود این است که سرمایه‌گذار برون‌مرزی، همواره نسبت به سرمایه‌گذاری‌هایی که پیش از لازم‌الاجرا شدن معاهده منشور انرژی در کشورهای امضاکننده این سند انجام داده

۶۳. بهمنی و تقوی؛ همان، ص ۱۵۸.

۶۴. پیشین، ص ۱۴۳.

۶۵. *Tecnicas Medioambientales Tecmed S.A. v. The United Mexican States* (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2) Award Rendered on 29 May 2003, para. 154.

۶۶. فلسفی؛ همان، ص ۵۶۲.

۶۷. Mena Chambers, 'Series of Notes on the Energy Charter Treaty Note 8', April 2014, p. 5. available at: <[http://www.menachambers.com/wp-content/uploads/2015/12/MCET\\_ECT\\_Note-8\\_21042014.pdf](http://www.menachambers.com/wp-content/uploads/2015/12/MCET_ECT_Note-8_21042014.pdf)>, (accessed 6 October 2016).

۶۸. *Ibid.*, at p. 5.

۶۹. *Ibid.*, at p. 5.



است، بیمناک باشد، چرا که ممکن است هریک از کشورهایی که توسط اجرای موقت معاهده، موفق به جذب سرمایه‌گذاری به کشور خود شده‌اند، در زمان بروز اختلاف، مدعی عدم التزام به معاهده به دلیل عدم پذیرش اجرای موقت در قوانین داخلی خود شوند، درحالی‌که پیش از آن، سایرین را از وجود چنین تناقضی مطلع نکرده بودند.

### ۳. آثار استناد به محدودیت مندرج در بند یک ماده ۴۵

پرمناقشه‌ترین قسمت ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی، مربوط به آثار محدودیت مندرج در بند یک این ماده است که تا کنون بیشترین اختلاف‌نظرات را از نظر عملی برانگیخته است. بهترین شاهد این مدعا همین بس که محور اصلی ابطال رأی دعوای یوکاس توسط دادگاه ناحیه‌ای لاهه، حول محور همین موضوع است. پرسش‌های اصلی این بخش عبارت‌اند از اینکه: در صورت وجود مغایرت میان قوانین ملی دولت امضاکننده و مقررات معاهده مذکور، چنین کشوری از اجرای کل معاهده معاف است یا اینکه صرفاً آن بخش از مقرراتی که با قوانین ملی مغایر است، قابلیت اجرای خود را از دست می‌دهد. همین طور جای این پرسش وجود دارد: چنانچه در قانون ملی کشوری که مدعی وجود مغایرت در قوانین خود است، اصل اجرای موقت پذیرفته شده باشد، چنین کشوری کماکان مجاز به تمسک به محدودیت بند یک است؟ باید گفت که در پاسخ به این سؤالات، تفسیر بند یک ماده ۴۵ دارای اهمیت بنیادین است.<sup>۷۰</sup>

در مبحث حاضر، از رهگذر بررسی وضعیت اجرای موقت معاهده منشور انرژی در روسیه، آثار محدودیت مندرج در بند یک ماده ۴۵ مشخص خواهد شد. در دعوای یوکاس، دولت روسیه مدعی بود که محدودیت مزبور، دلالت بر این دارد که چنانچه هریک از مقررات معاهده با نظام حقوقی کشور امضاکننده در مغایرت باشد، امضاکننده از اجرای همان بخش از مقررات پیش از تصویب معاهده توسط مقامات ذی‌صلاح داخلی معاف خواهد بود. روسیه برای اثبات ادعای خود به عبارت «تا حدی که» در بند یک ماده ۴۵ متوسل شد. از منظر این دولت، عبارت «تا حدی که» مبین این است که طرف‌های امضاکننده پیش از لازم‌الاجرا شدن معاهده منشور انرژی، تا میزانی که اجرای موقت هر کدام از مقررات این معاهده با قانون اساسی، قوانین و مقررات هریک از طرف‌ها مغایر نباشد، متعهد به اجرای موقت معاهده هستند:

«هریک از امضاکنندگان می‌پذیرد که این معاهده را به‌صورت موقت پیش از لازم‌الاتباع شدن مطابق ماده ۴۴ اجرا نماید تا حدی که چنین اجرای موقتی با قانون اساسی، قوانین و مقررات آن امضاکننده مغایرت نداشته باشد».

در مقابل، سهام‌داران شرکت یوکاس با تکیه بر معنای معمولی عبارات بند یک ماده ۴۵ ادعا کردند که محدودیت متضمن رویکرد همه یا هیچ<sup>۷۱</sup> است؛ بدین معنا که چنانچه مفهوم و اصل اجرای موقت در نظام حقوقی هریک از امضاکنندگان پذیرفته نشده باشد و به بیان دیگر، چنانچه قوه مجریه، صلاحیت ملزم نمودن کشورش را به اجرای موقت پیش از تصویب داخلی نداشته باشد، آن امضاکننده از اجرای یکایک حقوق و تعهدات معاهده تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده بری است. خواهان‌ها به منظور اقناع داوران، به عبارت «چنین اجرای موقتی» در بند یک ماده ۴۵ متمسک شده بودند.

### ۳-۱. رویکرد همه یا هیچ در مقابل رویکرد جزئی

همان گونه که ملاحظه شد، نحوه عبارت‌پردازی بند یک ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی، پرسش‌هایی را درباره حدود و ثغور این مقرر طرح می‌کند. دیوان‌های داوری که تا کنون اجرای موقت معاهده منشور انرژی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند، پاسخ‌های یکسانی راجع به این مقوله ارائه داده‌اند. اما دادگاه ناحیه‌ای لاهه با ارائه نظری کاملاً متفاوت، باب اختلاف نظر را در این زمینه گشوده است.

دیوان یوکاس با در نظر گرفتن معنای معمولی عبارات بند یک ماده ۴۵ و با توجه به آرمان‌های تدوین‌کنندگان معاهده منشور انرژی، حکم داد که کشورها با امضای معاهده مزبور به اجرای یکایک مقررات آن تن می‌دهند مگر اینکه اصل اجرای موقت معاهدات بین‌المللی، ذیل قانون اساسی، قوانین و مقررات چنین کشورهایی شناسایی نشده باشد.<sup>۷۲</sup> دیوان برای رسیدن به این یافته، به واژه «چنین»<sup>۷۳</sup> در بند یک ماده ۴۵ تأکید ورزید. بنا بر نظر دیوان، واژه چنین از نظر لفظی به معنای «آن» یا «آنها» است. بنابراین عبارت «چنین اجرای موقتی» که در بند یک ماده ۴۵ معطوف به عبارت «اجرای موقت معاهده» شده است به معنای «اجرای موقت این معاهده» است. دیوان به منظور تحکیم استدلال خود بیان داشت که می‌توان بند یک ماده ۴۵ را به صورت زیر قرائت کرد:

«هریک از امضاکنندگان می‌پذیرد که این معاهده را پیش از لازم‌الاجرا شدن، مطابق آنچه در ماده ۴۴ مقرر شده است، به صورت موقت اجرا نماید، تا حدی که اجرای موقت این معاهده با قانون اساسی، قوانین و مقررات آن امضاکننده مغایرت نداشته باشد».

دیوان داوری پس از رسیدن به این نتیجه که عبارت «چنین اجرای موقتی» در بند یک ماده

71. "All or Nothing" Approach

72. *Hulley Enterprises v. Russia, op. cit.*, para. 301.

73. Such

۴۵ به معنای «اجرای موقت این معاهده» است، در صدد پاسخ‌دهی به این پرسش برآمد: عبارت «اجرای موقت این معاهده» چه معنایی را افاده می‌کند؟ دیوان حکم داد معنای معمولی عبارت «اجرای موقت این معاهده» به معنی اجرای موقت کل معاهده است و اجرای موقت بخشی از مقررات، از این عبارت مستفاد نمی‌شود.

دیوان یوکاس تصریح کرد که این نظر که امضاکنندگان معاهده، متعهد به اجرای موقت قسمتی از آن باشند، فاقد پشتوانه است، چرا که این موضوعی است که باید در معاهده تصریح شده باشد.<sup>۷۴</sup> دیوان داوری با مطمح‌نظر قرارداد ماده ۲۷ کنوانسیون وین در مورد حقوق داخلی و رعایت معاهدات، خاطر نشان ساخت که دول متعهد نمی‌توانند به حقوق ملی به‌عنوان توجیهی برای عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود استناد کنند. همچنین متذکر شد که تفسیر ارائه‌شده از سوی روسیه مبنی بر اینکه امضاکنندگان مجاز باشند تا بخش‌هایی از معاهده را به دلیل تناقض با قانون ملی به مورد اجرا نگذارند، در تضاد با اصل وفای به عهد<sup>۷۵</sup> است.<sup>۷۶</sup> دیوان یوکاس در حمایت از تفسیر خود به رویه سایر کشورهای امضاکننده معاهده منشور انرژی اشاره کرد. هر شش کشوری که با تکیه بر محدودیت بند یک ماده ۴۵ اجرای موقت معاهده را انکار کرده‌اند، یکایک مفاد معاهده را به‌صورت یکپارچه، پیش از لازم‌الاتباع شدن معاهده اجرا نکرده‌اند.<sup>۷۷</sup>

لازم به ذکر است که نظر دیوان، تحکیم‌کننده رأی دیوان کاردا/سوپولوس است. در این دعوا، دیوان داوری در خصوص گستره اجرای موقت معاهده مقرر کرد که اجرای موقت معاهده منشور انرژی به معنای اجرای موقت تمامی مقررات این معاهده به‌صورت یکپارچه است و به هیچ عنوان، اجرای موقت بخشی از مفاد معاهده، مدنظر تنظیم‌کنندگان نبوده است.<sup>۷۸</sup> عنوان اجرای موقت بخشی از مفاد معاهده، مدنظر تنظیم‌کنندگان نبوده است.<sup>۷۹</sup>

دیوان داوری یوکاس سپس با تکیه بر یافته خود دایر بر اینکه در صورت شناسایی اصل اجرای موقت در نظام حقوقی روسیه، این کشور متعهد به اجرای موقت تمامی مقررات معاهده منشور انرژی است، به این سؤال پاسخ داد که آیا اصل اجرای موقت در نظام حقوقی روسیه شناسایی شده است؟<sup>۸۰</sup> دیوان داوری تحلیل خود را با بررسی و دقت‌نظر در قوانین قابل اعمال

74. *Ibid.*, para. 311.

75. *Pacta Sunt Servanda*

76. *Ibid.*, at para. 313.

77. *Ibid.*, at para. 321.

78. *Kardassopoulos v. Georgia, op. cit.*, para. 211.

79. *Kardassopoulos v. Georgia, op. cit.*, para. 211.

۸۰. اعتبار توافق کشورهای مذاکره‌کننده در خصوص اعمال موقت مقررات معاهده‌ای بین‌المللی پیش از لازم‌الاجرا شدن، از صلاحیت نمایندگان کشورها تأثیر می‌پذیرد. گاهی قوانین داخلی، صلاحیت قوه مجریه کشورها را برای اعلام رضایت به التزام موقت به معاهده، محدود می‌کند. به عبارت دیگر، ممکن است قوانین داخلی شامل مقرره‌ای باشد که به‌موجب آن، التزام به

روسیه آغاز کرد. ماده ۲۳ قانون فدرال روسیه در خصوص معاهدات بین‌المللی، در این خصوص اشعار می‌دارد:

«چنانچه یک معاهده خود مقرر کند و طرف‌های امضاکننده معاهده چنین توافق کنند، آن معاهده می‌تواند به‌طور موقت پیش از لازم‌الاجرا شدن توسط روسیه به اجرا درآید».<sup>۸۱</sup>

دیوان اعلام نمود با توجه به ماده اشاره‌شده در فوق و اینکه روسیه قریب به ۴۵ معاهده بین‌المللی را به‌طور موقت اجرا می‌کند، نهاد اجرای موقت به‌خودی‌خود با قانون اساسی، قوانین و مقررات روسیه مغایر نیست. بنابراین روسیه به اجرای موقت تمامی مقررات معاهده تا تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۹، یعنی ۶۰ روز پس از دریافت اعلامیه خاتمه اجرای موقت توسط امین معاهده، متعهد می‌ماند.<sup>۸۲</sup>

باید گفت که دیوان یوکاس به سازگاری قوانین داخلی روسیه با اصل اجرای موقت اکتفا نکرد و برای پیشگیری از ابهام، به‌طور جداگانه، مطابقت قوانین داخلی روسیه را با ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی بررسی کرد. در واقع دیوان داوری با این کار، هر دو تفسیر از بند یک ماده ۴۵ یعنی هم تفسیر مبتنی بر مطابقت اصل اجرای موقت با قوانین داخلی و هم تفسیر مبتنی بر امکان اجرای جزئی مفاد معاهده را به‌طور جامع بررسی کرد. دیوان داوری، سازگاری قوانین روسیه را با ماده ۲۶ بر مبنای قانون سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه احراز کرد. دیوان ماده ۲۶ را هماهنگ با قوانین داخلی روسیه یافت و بیان کرد که بر اساس قانون یادشده، دعاوی بین دولت روسیه و سرمایه‌گذار، قابل ارجاع به داوری بین‌المللی است و این کشور با امضای معاهده منشور انرژی، رضایت خود را به داوری بین‌المللی ابراز کرده است.

در برابر دیوان یوکاس، دادگاه لاهه، تأویلی متفاوت ارائه کرد و بیان داشت که دیوان داوری در تفسیر خود از بند یک ماده ۴۵ از آنچه می‌بایست به این مقرر اختصاص داده می‌شد، منحرف شده است. دادگاه، تفسیر دولت روسیه از بند یک ماده ۴۵ را صحیح اعلام کرد و حکم داد روسیه تنها ملتزم به اجرای موقت آن بخش از معاهده است که با قانون اساسی و قوانین و مقررات

---

اجرای موقت معاهده ممنوع باشد. برای مثال، پذیرفتن اجرای موقت در جمهوری سبیری، تنها در موارد استثنایی و پس از تأیید کمیته ذی‌صلاح در پارلمان آن کشور ممکن است؛ همچنین فرایند تصویب معاهده باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ امضا آغاز شود. بدین ترتیب، اجرای موقت به‌خودی‌خود با محدودیت‌هایی در این کشور مواجه است. همین‌طور قانون اساسی کشورهای کاستاریکا، گواتمالا، پرو و کلمبیا مانع اجرای موقت معاهدات، پیش از طی فرایند تصویب هستند. همچنین نظام حقوقی برخی کشورها نظیر ایران، حاوی مقرره صریحی راجع به منع یا جواز اجرای موقت نیست.

Djajic, *op. cit.*, pp. 346 & 347.

**81.** Federal Law on The International Treaties of the Russian Federation (16 June 1995), Article 23. available at: <[https://www.wto.org/english/thewto\\_e/acc\\_e/rus\\_e/WTACCRUS48\\_LEG\\_56.pdf](https://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/rus_e/WTACCRUS48_LEG_56.pdf)>, (accessed 7 October 2016).

**82.** *Hulley Enterprises v. Russia*, *op. cit.*, para. 338.

روسیه هماهنگ است. از منظر دادگاه، تفسیر ماده ۴۵ باید با تکیه بر عبارت «تا حدی که» صورت می‌پذیرفت. به عقیده این دادگاه، عبارت «تا حدی که» به معنای قلمرو، درجه و میزان است.<sup>۸۳</sup> بدین ترتیب، واضح است که این عبارت مفید این معناست که معاهده منشور انرژی تا میزانی که با قوانین ملی کشورها مغایر نباشد، به صورت موقت قابل اعمال است و آن بخش از مقررات معاهده که با قوانین ملی روسیه مغایر است، پس از تصویب پارلمان، قدرت اجرایی پیدا می‌کند.<sup>۸۴</sup>

این دادگاه ضمن درپیش گرفتن رویکرد جزئی بر این باور است که ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی با قوانین داخلی روسیه مغایر است. از منظر این دادگاه، مطابق قوانین روسیه، ارجاع دعاوی به داوری، به ماهیت دعوا بستگی دارد. این دادگاه به قوانین داوری بین‌المللی روسیه<sup>۸۵</sup> و قانون آیین داوری این کشور<sup>۸۶</sup> استناد می‌کند که مقرر می‌دارند: دعاوی مرتبط به حقوق خصوصی قابل ارجاع به داوری است. دادگاه بیان می‌دارد که مستفاد از همین مقرر، دعاوی مرتبط به حقوق عمومی که یک طرف آن‌ها دولت باشد، قابل ارجاع به داوری نیست<sup>۸۷</sup> اما اگر دولت، یک طرف دعوا باشد اما ماهیت دعوا حقوق خصوصی باشد، این دعوا مستعد ارجاع به داوری است. بنابراین از آنجا که منشأ دعوا از اختلاف میان سهام‌داران یوکاس و مقامات مالیاتی روسیه سرچشمه می‌گیرد و مرتبط به حقوق عمومی است، دعاوی یوکاس پیش از تصویب معاهده منشور انرژی در مجلس کشور روسیه، قابل حل و فصل از رهگذر داوری بین‌المللی نبوده است و در نتیجه، دیوان داوری صلاحیت نداشت به ماهیت دعوا رسیدگی کند.<sup>۸۸</sup>

### ۲-۳. تحلیل رویه داوری و قضایی درباره آثار محدودیت بند یک ماده ۴۵

تفسیر دیوان یوکاس در خصوص آثار محدودیت بند یک ماده ۴۵ تا کنون بیشترین انتقادات را در زمینه صلاحیت این دیوان داوری برانگیخته است. اکثریت منتقدین بر این عقیده‌اند که این دیوان در تفسیر خود از این مقرر، در تأکید بر واژه «چنین»، افراط کرده و به این نکته توجه نکرده است که اجرای موقت معاهدات، مقرره‌ای استثنائی است و از این روست که تدوین‌کنندگان معاهده با در نظر گرفتن لزوم عدم تجاوز به قوانین و مقررات داخلی کشورها و ضرورت افزایش شمار کشورهای امضاکننده، محدودیت بند یک ماده ۴۵ را پیش‌بینی کرده‌اند. به نظر این عده، توجه به معنای معمولی عبارات بند یک ماده ۴۵ در پرتو اهداف معاهده منشور انرژی و همچنین

83. *Russia v. Hulley Enterprises, Veteran Petroleum & Yukos Universal, op. cit.*, para. 5.10.

84. *Ibid.* at para. 5.12

85. International Arbitration Law

86. Arbitrazh Procedure Code

87. *Ibid.*, at para. 5.38.

88. *Ibid.*, at paras. 5.60, 5.73-5084.

اقدامات مقدماتی و اوضاع و احوال حاکم در زمان انعقاد معاهده منشور انرژی، بیانگر صحت رویکرد دادگاه لاهه مبنی بر امکان اجرای بخشی از مقررات این معاهده است.

توجه به سوابق مذاکرات مربوط به اجرای موقت، کمک شایان توجهی به فهم بهتر بند یک ماده ۴۵ می‌کند: در بین مذاکره‌کنندگان، تعدادی از نمایندگان، عدم امکان اجرای موقت معاهده را با توجه به ملاحظات قانون ملی خود مطرح کردند. ایالات متحده در جریان مذاکرات، پیشنهاد کرد که عبارت «تا جایی که قوانین کشورها اجازه دهد» به ماده مربوط اضافه شود.<sup>۸۹</sup> پس از آن عبارت «تا جایی که با قوانین آن‌ها مغایر نباشد» پیشنهاد شد و سپس «تا جایی که چنین اجرای موقتی با بایسته‌های قانون و قانون اساسی آن‌ها مغایر نباشد» به بحث گذاشته شد. در نهایت، محدودیت مورد بحث به صورت کنونی در قالب بند یک ماده ۴۵ مدون شد. از نظر منتقدین، عبارت «تا حدی که» در بند یک ماده ۴۵ و زمینه تنظیم پیش‌نویس ماده ۴۵ و پیشنهادهای مطرح شده از سوی نمایندگان به وضوح بر دیدگاه دادگاه لاهه صحنه می‌گذارد و دیوان داوری می‌بایست واژه «چنین» را در سیاق عبارات بند یک ماده ۴۵ و با در نظر گرفتن عبارت پیش از آن یعنی «تا حدی که» تفسیر می‌کرد. به عقیده مخالفین، پذیرش امکان اجرای قسمتی از مفاد معاهده منشور انرژی، با منظور و هدف آن، دایر بر اعمال سریع و مشارکت تعداد زیادی از کشورها هماهنگ است؛ بدین توضیح که با ایمن نمودن قوانین داخلی کشورها در مقابل اجرای موقت، کشورهای بیشتری به امضای معاهده روی می‌آورند.<sup>۹۰</sup>

منتقدین بر این نظر هستند که بند یک ماده ۴۵ مانع اجرای جزئی<sup>۹۱</sup> معاهده نیست زیرا متن‌های فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی معاهده که اعتبار یکسانی با متن انگلیسی دارند، شامل چنین محدودیتی نیستند.<sup>۹۲</sup> در متن فرانسوی معاهده منشور انرژی، پیش از عبارت چنین اجرای موقتی، از عبارت «dans la mesure où» به معنای «تا آنجا که» و در متن ایتالیایی این معاهده از عبارت «limiti in cui nei» به معنای «تا میزانی که» و در متن آلمانی از عبارت «in dem Masse» به معنای «تا حدی که» استفاده شده است. منتقدین ضمن اشاره به ماده ۳۳ کنوانسیون وین که مقرر می‌دارد: «چنانچه اعتبار معاهده‌ای به دو یا چند زبان تصدیق شده باشد، متن آن در هریک از زبان‌ها به نحو یکسان معتبر خواهد بود، مگر آنکه معاهده مقرر نماید یا طرف‌های معاهده توافق کنند که در صورت اختلاف، متن معینی ملاک خواهد بود»، از بی‌توجهی دیوان به سایر نسخه‌های معاهده منشور انرژی که به سایر زبان‌ها و با اعتبار برابر

89. "To the Extent that their Laws Allowed"

90. Gazzini, *supra* note 12, p. 299.

91. "Partial"

92. *Ibid.*, p. 298.

تنظیم شده است، انتقاد کردند.<sup>۹۳</sup>

اما باید گفت که تحلیل مقررۀ پیچیده بند یک ماده ۴۵، باید با این نکته آغاز شود که این بند شامل تعهدی الزام‌آور است و یک کشور نمی‌تواند پس از امضای معاهده و عدم اطلاع به سایرین راجع به عدم توانایی خود در اجرای موقت معاهده، به قوانین داخلی خود به‌عنوان توجیهی برای عدم پایبندی به معاهده استناد کند.<sup>۹۴</sup> مطابق نظر دیوان، لزوم مطابقت هریک از مقررات معاهده با قوانین داخلی کشورهای امضاکننده، مستلزم این است که در هریک از کشورهای امضاکننده، بخش‌های متفاوتی از این معاهده به‌طور موقت به مورد اجرا گذارده شود.<sup>۹۵</sup> می‌توان گفت اعمال این رویکرد، پراکندگی در عملکرد هریک از امضاکنندگان را دامن می‌زند و موجب عدم قطعیت و عدم ثبات خواهد شد. همچنین اتخاذ چنین رویکردی به زوال و زمین‌گیر شدن نهاد اجرای موقت منتهی می‌شود.

با عنایت به این استدلال باید گفت بعید می‌نماید که تنظیم‌کنندگان معاهده، رویکرد اجرای جزئی معاهده را مدنظر خود قرار داده باشند، چرا که موضوع و هدف موافقت‌نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، بهبود فضای حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی است<sup>۹۶</sup> و اعمال دیدگاه دادگاه لاهه، در جهت عکس این هدف عمل می‌کند. همچنین تفسیرهای شارحین معتبر معاهده منشور انرژی نیز مؤید دیدگاه دیوان داوری است. از منظر پروفیسور *توماس والد*، سازوکار اجرای موقت منشور انرژی مستلزم این است که مقررات معاهده از جمله مقررات راجع به داوری از زمان امضای آن قدرت اجرایی داشته باشند.<sup>۹۷</sup>

با توجه به دیدگاه دیوان و استدلال دادگاه لاهه، می‌توان گفت که تفسیر دیوان، نقش بسیار کمتری در نقش‌برآوردن انتظارات مشروع سرمایه‌گذار دارد و به سرمایه‌گذار، توانایی پیش‌بینی حقوقی می‌دهد. بنابراین تعبیر و تأویل داوران *یوکاس*، با استانداردهای حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و هدف اصلی معاهده منشور انرژی، دایر بر تأمین فضای اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاری حوزه انرژی منطبق است. چنین تدبیری به سرمایه‌گذار تضمین می‌دهد که کشورها با امضای معاهده و عدم اطلاع به سایرین در خصوص عدم توانایی خود در اجرای

93. *Ibid.*, pp. 298&299.

94. *Ibid.*, p. 298.

95. P. Szwedo, "Case Comment: (Former) Yukos v. Russian Federation before the Permanent Court of Arbitration", 2010, p. 59. available at: <<http://www.lib.kobe-u.ac.jp/repository/81002623.pdf>>, (accessed 30 June 2016); Klaus, *op. cit.*, p. 8.

۹۶. شروتر و دالزر؛ همان، ص ۲۹۷.

97. T. W. Walde, "International Investment under the 1994 Energy Charter Treaty-Legal, Negotiating and Policy Implications for International Investors within Western and Common Wealth of Independent States/Eastern European Countries", in T. W. Walde (ed.), *The Energy Charter Treaty: An East-West Gateway for Investment & Trade*, The Hague, Kluwer Law International, 2005, p. 257.

موقت، یکایک مقررات معاهده منشور انرژی را به‌طور موقت اجرا کنند. دیوان به این مهم تأکید ورزیده است که محدودیت بند یک ماده ۴۵ نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که منجر به رواج ناامنی در فعالیت‌های سرمایه‌گذار شود.

گفتنی است که صحت یا عدم صحت تفسیر دیوان دآوری یوکاس راجع به مقرر مزبور، تأثیری بر صلاحیت دیوان دآوری یوکاس ندارد، چرا که حتی اگر اجرای جزئی معاهده منشور انرژی ممکن باشد، به دلیل پذیرفتگی دآوری بین‌المللی ذیل قانون مختص به سرمایه‌گذاری روسیه، ماده ۲۶ معاهده با نظام حقوقی روسیه مغایر نیست تا این کشور، حق استناد موفقیت‌آمیز به محدودیت بند یک را داشته باشد. همان‌گونه که دیوان با باریک‌بینی اشاره داشته است، هدف اصلی دولت روسیه از اجرای قوانین مالیاتی، وصول مالیات از شرکت یوکاس نبوده است بلکه انگیزه این دولت از اقامه دعوی متعدد مالیاتی، به‌مزایده‌گذاران ارزشمندترین دارایی‌های این شرکت نفتی، هدایت شرکت به سمت ورشکستگی و دستیابی به اموال آن بوده است.<sup>۹۸</sup> به نظر می‌رسد دادگاه ناحیه‌ای لاهه در بررسی‌های خود از توجه به این دستاورد مهم دیوان مبنی بر اینکه دعوی اصلی، نه دعوی مالیاتی بلکه دعوی مربوط به مصادره و سلب مالکیت بوده توجهی نداشته است زیرا بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به استدلال‌های داوران، اختلافات یوکاس و روسیه را اختلاف مالیاتی محض توصیف کرده و به این واقعیت که اجرای قوانین مالیاتی، بهانه‌ای برای سلب مالکیت بوده است، نیم‌نگاهی نداشته است. از این‌رو، تمرکز دادگاه بر نحوه حل‌وفصل اختلاف مالیاتی طبق نظام حقوقی روسیه و غفلت از توجه به نیت اصلی این دولت، قابل انتقاد است. در واقع، قصد سهام‌داران یوکاس از اقامه دعوا در چارچوب معاهده منشور انرژی، حل اختلافی با منشأ مالیاتی نبوده است، بلکه ادعای آن‌ها بر سلب مالکیت ایشان به بهانه اجرای قوانین مالیاتی استوار شده است.

بنابراین به‌عنوان نتیجه بحث می‌توان گفت که حتی اگر استدلال دادگاه ناحیه‌ای لاهه مبنی بر امکان اجرای جزئی معاهده منشور انرژی در زمینه آثار استناد به بند یک ماده ۴۵ صحت داشته باشد و رویکرد دیوان دآوری یوکاس ناروا باشد، با توجه به نتیجه بررسی دیوان یوکاس مبنی بر اینکه اساساً ماده ۲۶ با قوانین داخلی روسیه مغایر نیست، می‌توان گفت که دولت روسیه با استناد به ماده ۴۵ معاهده مزبور، متعهد به اجرای موقت ماده ۲۶ راجع به حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بوده است و در نتیجه، دیوان دآوری، صلاحیت زمانی لازم را برای رسیدگی به ماهیت ادعاهای اکثریت سهام‌داران شرکت یوکاس داشته است.

98. *Yukos Universal v. Russia (Final Award)*, op. cit., para. 756.



### نتیجه

اجرای معاهده منشور انرژی از قاعده عام در خصوص زمان لازم‌الاجرا شدن معاهدات، یعنی به‌اجرادآمدن آن پس از تصویب معاهده در مجلس قانونگذاری کشورهای امضاکننده تبعیت نمی‌کند، بلکه تنظیم‌کنندگان معاهده مزبور با اذن حاصل از ماده ۲۵ کنوانسیون وین و با توجه به ضرورت تسریع اجرای این معاهده، تعهد به اجرای موقت را ذیل ماده ۴۵ این سند بین‌المللی پیش‌بینی کرده‌اند. در نتیجه، نظام اجرای موقت معاهده منشور انرژی با هدف حمایت هرچه سریع‌تر از سرمایه‌گذار، امکان مراجعه مستقیم خیل عظیمی از اشخاص را به داوری بین‌المللی در طول مدت اجرای موقت فراهم می‌کند. لیکن تنظیم‌کنندگان این معاهده در کنار الزام کشورها به اجرای موقت، استثنائاتی را برای جلوگیری از بروز مغایرت میان اجرای موقت معاهده و نظام حقوقی کشورها و همچنین با امان‌نظر به اراده کشورهای امضاکننده فراهم کرده‌اند که خود باعث بروز اختلاف‌نظراتی در زمینه سازوکار اجرای موقت این معاهده شده است، چرا که وابستگی یا عدم وابستگی دو بند نخست ماده ۴۵ و آثار استناد به بند یک از همین ماده، به محل بحث و مناقشه میان کشورهای امضاکننده و سرمایه‌گذاران مبدل شده است. مطالعه رویه داوری نشان می‌دهد که بخش زیادی از ابهامات موجود راجع به ماده ۴۵ معاهده فوق‌الذکر پس از صدور رأی مقدماتی در دعوی یوکاس برطرف شده است. به‌واقع، این رأی، روشن‌گر سازوکار و شرایط استناد پیروزمندان به محدودیت‌های اجرای موقت است.

نتیجه حاصل از تجزیه و تحلیل ماده ۴۵ در هر دو حوزه عملی و نظری، حاکی از این است که بندهای یک و دو از یکدیگر منفک و مجزا هستند. بنابراین کشورها با رعایت شرایط و به فراخور اوضاع و احوال می‌توانند از دو طریق، اجرای معاهده را به زمان لازم‌الاجرا شدن موکول کنند. به‌واقع، بند یک، ضامن عدم بروز مغایرت میان قوانین داخلی و مقررات معاهده منشور انرژی است، درحالی‌که بند دو به اراده دولت‌های امضاکننده ارج می‌نهد. در این دو فرض، کشورها موظف‌اند تا تاریخ تصویب داخلی، مرتکب فعل یا ترک فعلی نشوند که به اهداف معاهده لطمه بزند.

گفتنی است که اساسی‌ترین دستاورد دیوان یوکاس که تأثیر بسزایی بر حقوق و تعهدات کشورهای امضاکننده دارد، تفسیر این دیوان از محدودیت بند یک ماده ۴۵ است، چرا که تصمیم دیوان داوری بیانگر الزام‌آور بودن تعهد به اجرای موقت و در نتیجه، حکومت ماده ۲۶ کنوانسیون وین بر ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی است. چنین تفسیری به کشورهایی که قصد الحاق به معاهده منشور انرژی را دارند این هشدار را می‌دهد که اقبال کشورها در معافیت از اجرای موقت با توسل به محدودیت مندرج در بند یک ماده ۴۵ بسیار اندک است زیرا رویه داوری کنونی حاکی

از این است که تنها در صورتی که نظام حقوقی یک کشور صراحتاً در قوانین داخلی خود، اصل اجرای موقت معاهدات بین‌المللی را نپذیرفته باشد، چنین کشوری می‌تواند تا تاریخ سپری شدن فرایند تصویب داخلی، التزام به تعهدات معاهده منشور انرژی را به تعویق بیندازد. اما باید گفت با توجه به جایگاه اجرای موقت معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی کشورهای مختلف، این موضوعی است که به ندرت توسط مراجع مأمور به رسیدگی احراز می‌شود. بنابراین تصمیم دیوان *یوکاس* همانند دیوان *کارداسویولوس* به کشورهایی همانند ایران که تا کنون به این معاهده نپیوسته‌اند، این پیام را می‌دهد که در صورت تمایل به الحاق به معاهده منشور انرژی، چنانچه دغدغه اقامه دعوا از سوی سرمایه‌گذار در طول مدت زمان اجرای موقت را دارند، باید جانب احتیاط را در پیش گرفته و به محض امضا، مطابق بند دو ماده ۴۵، اعلامیه‌ای رسمی مبنی بر عدم توانایی در اجرای موقت نزد کشور پرتغال به‌عنوان امین معاهده تودیع کنند.

در پایان باید گفت که اگرچه دیوان دآوری *یوکاس* در رأی مقدماتی خود، رویکرد نوینی را درباره تفسیر اجرای موقت معاهده منشور انرژی در پیش نگرفته است، اما صرف‌نظر از تصمیمی که توسط دادگاه تجدیدنظر لاهه در خصوص اعتراض سهام‌داران *یوکاس* به ابطال رأی دآوری توسط دادگاه ناحیه‌ای گرفته خواهد شد، تردیدی نیست که هم‌اکنون دآوری *یوکاس* به یکی از مهم‌ترین دآوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی مبدل شده و در آینده نیز مورد استناد بسیاری از سرمایه‌گذاران و دولت‌ها واقع خواهد شد.

چنان‌که از تحلیل‌های به‌عمل‌آمده در این نوشتار هویداست، تصمیم دیوان مستدل است و مورد حمایت و پذیرش شمار زیادی از پژوهشگران و حقوق‌دانان عرصه حقوق بین‌الملل واقع شده است، چرا که این تصمیم با استناد به رهنمودهای ارائه‌شده در کنوانسیون وین و رویه دآوری اتخاذ شده است. بنابراین باید گفت دیوان دآوری *یوکاس*، صلاحیت زمانی رسیدگی به ماهیت دعوی اکثریت سهام‌داران شرکت *یوکاس* را داشته است.

### منابع:

#### الف) فارسی

##### – کتاب

- پیران، حسین؛ *مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی*، گنج دانش، ۱۳۸۹.
- شروتر، کریستف و رودلف دالزر؛ *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمه: سیدقاسم زمانی و به‌آذین حسینی، چاپ سوم، شهر دانش، ۱۳۹۳.
- فلسفی، هدایت‌الله؛ *حقوق بین‌الملل معاهدات*، چاپ چهارم، نشر نو، ۱۳۹۳.

##### – مقاله

- بهمنی، محمدعلی و نجمه تقوی؛ «حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار و چالش‌های فراروی آن در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۴، ۱۳۹۵.

#### ب) انگلیسی

##### - Books

- Coop, G. (ed.), *Energy Dispute Resolution: Investment Protection, Transit and the Energy Charter Treaty*, Juris Net Llc., New York, 2011.
- Mertsch, A.Q., *Provisionally Applied Treaties, their Binding Force and Legal Nature*, Brill, Leiden, 2012. available from Google Books (accessed 3 October 2016).
- Ribeiro, C. (ed.), *Investment Arbitration and the Energy Charter Treaty*, Juris Publishing Inc., Huntington, 2006.
- Walde, T. W. (ed.), *The Energy Charter Treaty: An East-West Gateway for Investment & Trade*, Kluwer Law International, The Hague, 2005.

##### - Articles

- Belz, M., “Provisional Application of the Energy Charter Treaty: Kardassopoulos v. Georgia and Improving Provisional Application in Multilateral Treaties”, *Emory International Law Review*, vol. 22, 2008.
- Djajic, S., “Provisional Application of Treaties: Critical Assessment of the Rule and International Investment Awards”, *Harmonization of Serbian and Hungarian Law with the European Union Law*, vol. 2, December 2013.
- Gazzini, T., “Case Comment, Yukos Universal Limited (Isle of Man) v. The Russian Federation Provisional Application of the ECT in the Yukos Case”, *ICSID Review*, vol. 30, No. 2, 2015.

- Gazzini, T., “Provisional Application of the Energy Charter Treaty: a Short Analysis of Article 45”, *Transnational Dispute Management (TDM)*, vol. 7, issue. 1, April 2010.
- Hober, K., “Investment Arbitration and the Energy Charter Treaty”, *Journal of International Dispute Settlement*, vol. 1, No. 1, 2010.
- Klaus, U., “The Gate to Arbitration – The Yukos Case the Provisional Application of the Energy Charter Treaty in the Russian Federation”, *Transnational Dispute Management (TDM)*, vol. 2, issue. 3, June 2005.
- Laidlaw, P., “Provisional Application of the Energy Charter as Seen in the Yukos Dispute”, *Santa Clara Law Review*, vol. 52, No. 2, January 2012.
- Mena Chambers, “Series of Notes on the Energy Charter Treaty Note 8”, April 2014. available at: <[http://www.menachambers.com/wp-content/uploads/2015/12/MCET\\_ECT\\_Note-8\\_21042014.pdf](http://www.menachambers.com/wp-content/uploads/2015/12/MCET_ECT_Note-8_21042014.pdf)>, (accessed 6 October 2016).
- Nappert, S., “Russia and the ECT: The Unplumbed Depths of Provisional Application”, *Global Arbitration Review*, vol. 3, issue. 2, April 2008.
- Newcombe, A., “Case Comment Yukos Universal Limited (Isle of Man) v. The Russian Federation: An Introduction to the Agora”, *ICSID Review*, vol. 30, No. 2, 2015.
- Niebruegge, A. M., “Provisional Application of the Energy Charter Treaty: The Yukos Arbitration and the Future Place of Provisional Application in International Law”, *Chicago Journal of International Law*, vol. 8, No. 1, January 2007.
- Shore, L., “The Jurisdiction Problem in Energy Charter Treaty Claims”, *International Arbitration Law Review*, vol. 10, June 2007.
- Szewdo, P., “Case Comment: (Former) Yukos v. Russian Federation before the Permanent Court of Arbitration”, 2010. Available at: <<http://www.lib.kobe-u.ac.jp/repository/81002623.pdf>> (accessed 30, June 2016).
- Walde, T. W. & Hober, K., “The First Energy Charter Treaty Award”, *Journal of International Arbitration*, vol. 22, issue. 2, 2005.
- Walde, T. W., & Konoplyanik, A., “Energy Charter Treaty and Its Role in International Energy”, *Journal of Energy & Natural Resources Law*, vol. 24, No. 4, 2006.
- Walde, T. W., Linehan, J. & Bamberger, C., “The Energy Charter Treaty in 2000- In a New Phase”, December 2000. Available at: <<http://fsi.stanford.edu/sites/default/files/evnts/media/Charter.pdf>>, (accessed 6 October 2016).
- Walde, T. W., “Energy Charter Treaty-based Investment Arbitration Controversial Issues”, *The Journal of World Investment & Trade*, vol. 5, 2004.

**- Reports and International Documents**

- International Law Commission, *Draft Article on Diplomatic Protection with Commentaries*, Yearbook of the International Law Commission, 2006, vol. 2, p. 52.
- International Law Commission, *Draft Articles on the Law of Treaties with Commentaries*, Yearbook of the International Law Commission, vol. 2, 1966.

**- Awards**

- *Ioannis Kardassopoulos v. Georgia (ICSID Case No. ARB/05/18) Decision on Jurisdiction of 6 July 2007.*
- *Hulley Enterprises Limited v. the Russian Federation (UNCITRAL, PCA Case No. AA 226), Interim Award on Jurisdiction and Admissibility Rendered on 30 November 2009.*
- *Hulley Enterprises Limited v. the Russian Federation (UNCITRAL, PCA Case No. AA 226), Final Award Rendered on 18 July 2014.*
- *Veteran Petroleum Limited v. the Russian Federation (UNCITRAL, PCA Case No. AA 228) Interim Award on Jurisdiction and Admissibility Rendered on 30 November 2009.*
- *Veteran Petroleum Limited v. the Russian Federation (UNCITRAL, PCA Case No. AA 228) Final Award Rendered on 18 July 2014.*
- *Yukos Universal Limited v. the Russian Federation (UNCITRAL, PCA Case No. AA 227) Interim Award on Jurisdiction and Admissibility Rendered on 30 November 2009.*
- *Yukos Universal Limited v. The Russian Federation (UNCITRAL, PCA Case No. AA 227) Final Award Rendered on 18 July 2014.*
- *Petrobart Limited v. the Kyrgyz Republic (SCC Case No.126/2003) Award Rendered on 29 March 2005.*
- *The Russian Federation v. Hulley Enterprises Limited, Veteran Petroleum Limited & Yukos Universal Limited (The Hague District Court Case No. C/09/481619 / HA ZA 15-112) Judgment of 20 April 2016 .*

**- Codes and Regulations**

- *Russian Federation Law on Foreign Investments in The Russian Federation (4 July 1991)*
- *Albania Law for Foreign Investments (2 November 1993)*
- *Constitution of the Russian Federation (12 December 1993)*
- *Russian Federation law on the International Treaties of the Russian Federation (16 June 1995)*
- *Russian Federation Law on Foreign Investments in The Russian Federation (25 June 1999)*

---

- Websites

- <<http://www.energycharter.org>>, (accessed 2 October 2016)
- <<http://www.hudoc.echr.coe.int/>>, (accessed 1 November 2016)
- <<http://www.icj-cij.org/>>, (accessed 16 November 2016)
- <<http://www.icsid.worldbank.org>>, (accessed 28 October 2016)
- <<http://www.investmentpolicyhub.unctad.org>>, (accessed 20 October 2016)
- <<http://www.italaw.com/>>, (accessed 1 November 2016)
- <<http://www.kluwerarbitrationblog.com/>>, (accessed 18 August 2016)
- <<http://www.transnational-dispute-management.com>>, (accessed 5 November 2016)